



دعای کمیل

دعای کمیل بن زیاد علیه الرحمه و آن از ادعیه معروفه است و علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده که آن بهترین دعاها است و آن دعای خضر علیه السلام است حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن را تعلیم کمیل که از خواص اصحاب آن حضرت است فرموده در شبهای نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده می شود و برای کفایت از شر اعدا و فتح باب رزق و آمرزش گناهان نافع است و شیخ و سید آن را نقل نموده اند و من آن را از مصباح المتعجد نقل می کنم و آن دعای شریف این است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ۝

خدایا از تو درخواست میکنم بآن رحمت بی انتهایت که همه موجودات را فراگرفته است

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ ۝ وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ۝ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ۝

و بتوانایی بی حدت که بر هر چیز مسلط و قاهر است و همه اشیاء خاضع و مطیع اوست و تمام عزتها در مقابلش ذلیل و زبون است

وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ ۝

و به مقام جبروت و بزرگیت که همه قدرتها برابر او مغلوب است



وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ

و به عزت و اقتدارت که هر مقتدری از مقاومتش عاجز است

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ

و به عظمت و بزرگیت که سراسر عالم را مشحون کرده است

وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ

و به سلطنت و پادشاهیت که بر تمام قوای عالم برتری دارد

وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

و بذات پاکت که پس از فنای همه موجودات باقی ابدی است

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ (غَلَبَتْ) أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

و بنامهای مبارکت که در همه ارکان عالم هستی تجلی کرده است



وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

و به علم ازلیت که بر تمام موجودات محیط است

وَبُنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ

و به نور تجلی ذاتت که همه عالم را روشن ساخته است

يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ

ای نور حقیقی و ای منزّه از توصیف ای پیش از همه سلسله و بعد از همه موجودات پسین

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ

خدایا ببخش آن گناہانی را که پرده عصمت را می‌برد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّعَمَ

خدایا ببخش آن گناہانی را که بر من کیفر عذاب نازل می‌کند



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعِيرُ النَّعْمَ

خدایا ببخش آن گناہانی را کہ در نعمت را به روی من می بندد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ

خدایا ببخش آن گناہانی را کہ مانع قبول دعاہیم می شود

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ

خدایا ببخش آن گناہانی را کہ بر من بلا می فرستد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا

خدایا ہر گناہی کہ مرتکب شدہام و ہر خطایی از من سر زدہ ہمہ را ببخش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ

ای خدا من بہ یاد تو بسوی تو تقرب می جویم و تو را سوی تو شفیع می آورم



وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ

و از درگاه جود و کرمت مسئلت می‌کنم که مرا به مقام قرب خود نزدیک سازی و شکر و سپاست را به من بیاموزی و ذکر و توجه حضرتت را بر من الهام کنی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ

خدایا از تو مسئلت می‌کنم با سؤالی از روی خضوع و ذلت و خشوع و مسکنت

أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا

که کار بر من آسان گیری و به حالم ترحم کنی و مرا به قسمت مقدر خود خوشنودو قانع سازی و در هر حال مرا متواضع گردانی

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ

خدایا من از تو مانند سائلی در خواست می‌کنم که در شدت فقر و بیچارگی باشد و تنها به درگاه تو در سختیهای عالم عرض حاجت کند و شوق و رغبتش به نعم ابدی که حضور توست باشد

اللَّهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَعَلَا مَكَانُكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ

ای خدا پادشاهی تو بسیار با عظمت است و مقامت بسی بلند است و مکر و تدبیرت در امور پنهان است



و ظَهَرَ أَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكْمَتِكَ

و فرمانت در جهان هویداست و قهرت بر همه غالب است و قدرتت در همه عالم نافذ است و کسی از قلمرو حکمت فرار نتواند کرد

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ

خدایا من کسی که گناهانم ببخشد و بر اعمال زشتم پرده پوشد و کارهای بدم (از لطف و کرم) به کار نیک بدل کند جز تو کسی نمی یابم (که خدا این تواند)

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَمِحْمَدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّاتُ بَجْهَلِي

خدایی جز تو نیست ای ذات پاک و منزّه و به حمد تو مشغولم ستم نمودم به خودم و دلیری کردم به نادانی خود

وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنَّكَ عَلَيَّ

و خاطرم آسوده به این بود که همیشه مرا یاد کردی و بر من لطف و احسان فرمودی



اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَرِّ مِنْ قَبِيحِ سَرَّتِهِ

ای خدا ای مولای من چه بسیار کارهای زشتم مستور کردی

وَكَرِّ مِنْ فَادِحِ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ (أَمَلْتَهُ) وَكَرِّ مِنْ عِثَارِ وَقَيْتَهُ

و چه بسیار بلاهای سخت از من بگردانیدی و چه بسیار از لغزشها که مرا نگاه داشتی

وَكَرِّ مِنْ مَكْرُورٍ دَفَعْتَهُ وَكَرِّ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ

و چه بسیار ناپسندها که از من دور کردی و چه بسیار ثنای نیکو که من لایق آن نبودم و تو از من بر زبانها

منتشر ساختی

اللَّهُمَّ عَظْمَ بَلَائِي وَأَفْرَطَ بِي سُوءِ حَالِي وَقَصْرَتْ (قَصَّرْتُ) بِي أَعْمَالِي

ای خدا غمی بزرگ در دل دارم و حالی بسیار ناخوش و اعمالی نارسا

وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي (أَمَالِي)

و زنجیرهای علایق مرا در بند کشیده و آرزوهای دور و دراز دنیوی از هر سودی مرا باز داشته



وَحَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بَعْرُورِهَا وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا (بِحِيَانَتِهَا) وَمِطَالِي

و دنیا به خدعه و غرور و نفس به جنایت مرا فریب داده است

يَا سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يُحْجَبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي

ای خدای بزرگ و سید من به عزت و جلالت قسم که عمل بد و افعال زشت من دعای من را از اجابتت منع نکند

وَلَا تَفْضُحْنِي بِحَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمَلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي

و به قبایح پنهانم که تنها تو بر آن آگاهی مرا مفتضح و رسوا نگردانی و بر آنچه از اعمال بد و ناشایسته در خلوت

بجا آورده‌ام

مِنْ سُوءِ فِعَالِي وَإِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي

و تقصیر و نادانی و کثرت اعمال غفلت و شهوت که کرده‌ام (کرم کن و) زودم به عقوبت مگیر

وَكَانَ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ (فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا) رِءُوفًا وَعَلَىٰ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا

ای خدا به عزت و جلالت سوگند که با من در همه حال رأفت و رحمت فرما و در جمیع امور مهربانی کن

إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

ای خدا ای پروردگار جز تو من که را دارم تا از او درخواست کنم که غم و رنجم را برطرف سازد و به مالم از

لطف توجه کند



إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي

ای خدا ای مولای من تو بر من حکم و دستوری مقرر فرمودی و من در آن به نافرمانی پیرو هوای نفس گردیدم

وَلَمْ أَحْتَسِرْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَنِي عَلَى ذَلِكَ الْقَضَاءِ

و خود را از وسوسه دشمن (نفس و شیطان) که معصیتها را در نظرم جلوه‌گر ساخته و فریبم داد خود را حفظ نکردم و قضای آسمانی نیز مساعدت کرد

فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ (مِنْ نَقْضِ) حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ

تا آنکه من در این رفتار از بعضی حدود و احکامت قدم بیرون نهادم و در بعضی اوامرت راه مخالفت پیمودم

فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَالزَّمَنِي حُكْمَكَ وَبِلَاؤُكَ

حال در تمام این امور تو را ستایش می‌کنم و مرا در آنچه رفته است بر تو هیچ حجتی نخواهد بود با آنکه در او قضای تو بوده و حکم (تکوینی) و امتحان و آزمایش تو مرا بر آن ملزم ساخته

وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا

و با این حال بار خدایا به درگاہت پس از تقصیر و ستم بر نفس خود باز آمده‌ام با عذر خواهی و پشیمانی



مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلاً مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرٍ فَالَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْزَعًا تَوَجَّهَ إِلَيْهِ

فِي أَمْرِي

و شکسته دلی و تقاضای عفو و آمرزش و توبه و زاری و تصدیق و اعتراف بر گناه خود نه از آنچه کردم مغری دارم و نه جایی که برای اصلاح کارم بدانجا روی کنم و پناه برم

غَيْرِ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةٍ (سَعَةٍ مِنْ) رَحْمَتِكَ

مگر آنکه تو باز عذرم بپذیری و مرا در پناه رحمت بی‌منتهايت داخل کنی

اللَّهُمَّ (إِلَهِي) فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكِّنِي مِنْ شِدَّةِ وَثَاقِي

ای خدا عذرم بپذیر و بر این حال پریشانم ترحم فرما و از بند سخت گناهانم رهایی بخش

يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي

ای پروردگار من بر تن ضعیف و پوست رقیق و استخوان بی‌طاقتم ترحم کن

يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي

ای خدایی که در اول به خلعت وجودم سرافراز کردی و به لطف یاد فرمودی و به تربیت و نیکی پرورش دادی و بغذا عنایت داشتی اینک بهمان سابقه کرم و احسانی که از این پیش با من بودت بر من ببخش



يَا اِلٰهِيَّ وَ سَيِّدِيَّ وَ رَبِّيَّ اُتْرَاكَ مُعَذِّبِيَّ بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ

ای خدای من ای سید و مولای من آیا باور کنم که مرا در آتش می‌سوزانی با وجود آنکه به توحید و یکتائیت
گرویدم

وَ بَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ

و با آنکه دلم به نور معرفتت روشن گردید

وَ لَهَجَ بِهٖ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَ اعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ

و زبانم به ذکرت گویا شد و در باطنم عقد محبت استوار گردید

وَ بَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَ دُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ

و بعد از آنکه از روی صدق و خضوع و مسکنت به مقام ربوبیتت اعتراف کردم

هَيْهَاتَ اَنْتَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ اَوْ تُبْعِدَ (تُبْعَدَ) مَنْ اَدْنَيْتَهُ

بسیار دور است که تو کریمتری از اینکه از نظر بیاندازی کسی را که پرورش داده‌ای آن را یا آنکه دور کنی
کسی را که نزد خود کشیده



أَوْشُرِّدْ مَنْ أَوْيْتَهُ أَوْ تَسَلَّمْ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحْمَتُهُ

یا برانی آنکه را که به او جا داده‌ای یا بسپاری بسوی بلاء آنکه را که به او کفایت کرده‌ای و رحم نموده‌ای

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ أَتَسَلَّطُ النَّارَ عَلَى وَجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً

وای کاش ای خدای من و سید و مولای من بدانستمی که تو آتش قهرت را مسلط می‌کنی بر آن رخسارها که در پیشگاه عظمتت سر به سجده عبودیت نهاده‌اند

وَعَلَى السُّنَنِ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً

یا بر آن زبانها که از روی حقیقت و راستی ناطق به توحید تو و گویا به حمد و سپاس تواند

وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَعَلَى صَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً

یا بر آن دلها که از روی صدق و یقین به خدایی تو معترفند یا بر آن جانها که از علم و معرفت در پیشگاه جلالت خاضع و خاشعند

وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ طَائِعَةً وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً

یا بر آن اعضایی که مشتاقانه به مکانهای عبادت و جایگاه طاعتت می‌شتابند و به اعتقاد کامل از درگاه کرمتم
آمرزش می‌طلبند



مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا أَخْبَرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ

و هیچکس به تو این گمان نمی‌برد و چنین خبری از تو ای خدای با فضل و کرم به ما بندگان نرسیده

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا

در صورتی که تو خود بی‌طاقتیم را بر اندک رنج و عذاب دنیا و آلامش می‌دانی

وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْتَهُ يُسِيرُ بِقَاوِهِ قَصِيرٌ

مُدَّتُهُ

و آنچه جاری شود در آن از بد آمدنی‌های آن بر اهل آن با آنکه رنج و الم دنیا اندک است و زمانش کم است و دوامش ناچیز است و مدتش کوتاه است

فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ (حُلُولِ) وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا

پس من چگونه طاقت آرم و عذاب‌عالم آخرت و آلام سخت آن عالم را تحمل کنم

وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ

و حال آنکه مدت آن عذاب طولانی است و زیست در آن همیشگی است و هیچ بر اهل عذاب در آنجا تخفیفی نیست



لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ

چندان که آن عذاب تنها از قهر و غضب و انتقام توست

وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

که هیچکس از اهل آسمان و زمین تاب و طاقت آن ندارد

يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي (بِي) وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

ای سید من پس من بنده ناتوان ذلیل و حقیر و فقیر و دور مانده تو چگونه تاب آن عذاب دارم

يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا أَضِجُ وَأَبْكِي

ای خدای من ای پروردگار من و سید و مولای من از کدامین سختیهای امورم بسویت شکایت کنم و از کدام یک به درگاهت بنالم و گریه کنم

لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ

از دردناکی عذاب آخرت بنالم یا از طول مدت آن بلای سخت زاری کنم



فَلَمَّا صَبِرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بِلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ

وَأَوْلِيَائِكَ

پس تو مرا با دشمنانم اگر به انواع عقوبت معذب گردانی و با اهل عذابت همراه کنی و از جمع دوستان و خاصانت جدا سازی

فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ

در آن حال گیرم که بر آتش عذاب تو ای خدای من و سید و مولای من و پروردگار من صبوری کنم چگونه بر فراق تو صبر توانم کرد

وَهَبْنِي (يَا إِلَهِي) صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ

و گیرم آنکه بر حرارت آتشت شکیبا باشم چگونه چشمم از لطف و کرمات توام پوشید

أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ

یا چگونه در آتش دوزخ آرام گیرم با این امیدواری که به عفو و رحمت بی‌منت‌هایت دارم



فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا لَنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لِأَضْحَنِّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِجَ الْآمِلِينَ

(الآمِلِينَ)

باری به عزت ای سید و مولای من به راستی سوگند می‌خورم که اگر مرا با زبان گویا (به دوزخ) گذاری من در میان اهل آتش مانند دادخواهان ناله همی کنم

وَلَا صُرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

و بسی فریاد می‌زنم بسویت مانند شیون گریه کنندگان

وَلَا بُكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ وَلَا نَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَاوِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

و بنالم به آستانت مانند عزیز گم کردگان و به صدای بلند تو را می‌خوانم که ای یاور اهل ایمان

يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

و ای منتهای آرزوی عارفان و ای فریادرس فریاد خواهان

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

و ای دوست دل‌های راستگویان و ای یکتا خدای عالمیان



أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ (يُسَجِنُ) فِيهَا بِخَالَفَتِهِ

آیا درباره تو ای خدای پاک و منزّه و ستوده صفات گمان می توان کرد که بشنوی در آتش فریاد بنده مسلمی را که به نافرمانی در دوزخ زندانی شده

وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبْسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ

و سختی عذابت را به کیفر گناه می چشد و میان طبقات جهنم به جرم و عصیان محبوس گردیده

وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمَلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

و ضجه و ناله اش با چشم انتظار و امیدواری به رحمت بی منتهایت بسوی تو بلند است و به زبان اهل توحید تو را می خواند و به ربوبیتت متوسل می شود

يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ

باز چگونه در آتش عذاب خواهد ماند در صورتی که به سابقه حلم نامنتهایت چشم دارد

أَمْ كَيْفَ تُؤَلِّمُهُ النَّارَ وَهُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ

یا چگونه آتش به او الم رساند و حال آنکه به فضل و کرمات امیدوار است



أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ

یا چگونه شراره‌های آتش او را بسوزاند با آنکه تو صدای کریم ناله‌اش را می‌شنوی و می‌بینی مکانش را

أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ

یا چگونه شعله‌های دوزخ بر او احاطه کند با آنکه ضعف و بی‌طاقتیش را می‌دانی

أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ

یا چگونه به خود بپیچد و مضطرب بماند در طبقات آتش با آنکه تو به صدق (دعای) او آگاهی

أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانَتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٗ

یا چگونه مأموران دوزخ او را زجر کنند با آنکه به صدای یا رب یا رب تو را می‌خواند

أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَرُكُهُ (فَتَرُكُهُ) فِيهَا

یا چگونه به فضل تو امید آزادی از آتش دوزخ داشته باشد و تو او را به دوزخ واگذاری



هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا المَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ

هیہات کہ هرگز چنین معروف نباشد و این گمان نرود

وَلَا مُشْبَهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ المُوَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ

و به رفتار با بندگان موحدت که همه احسان و عطا بوده این معامله شباهت ندارد

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيبِ جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ

پس من به یقین قاطع می دانم که اگر تو بر منکران خدایت حکم به آتش قهر خود نکرده و فرمان همیشگی عذاب دوزخ را به معاندان نداده بودی

لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا

محققا تمام آتش دوزخ را سرد و سالم می کردی

وَمَا كَانَ (كَانَتْ) لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأٌ وَلَا مُقَامًا (مَقَامًا)

و هیچکس را در آتش جای و منزل نمی دادی



لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنْ الْكَافِرِينَ

و لیکن تو ای خدانامهای مبارکت مقدس است و قسم یاد کرده‌ای که دوزخ را از جمیع کافران

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ

جن و انس پر گردانی و مخلد سازی معاندان را در آن عذاب

وَأَنْتَ جَلَّ شَأُوكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

و تو را ستایش بی حد سزاست که با وجود آنکه خویش را ثنا گفتی و بهمه انعام نمودی در کتاب خود فرمودی
آیا (در آخرت) اهل ایمان با فاسقان یکسانند هرگز یکسان نیستند

إِلَهِي وَسَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا

ای خدای من و سید من از تو درخواست می‌کنم به مقام قدر (و آن قدرت ازلی) که مقدرات عالم بدان کردی

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا

و به مقام قضای مبرم که بر هر که فرستادی غالب و قاهر شدی



أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرُمْتُهُ وَكُلِّ ذَنْبٍ أَذْبَنْتُهُ

که مرا ببخشی و در گذری در همین شب و همین ساعت هر جرمی و هر گناهی که کرده‌ام

وَكُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ وَكُلِّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ

و هر کار زشتی پنهان داشته‌ام و هر عملی (مستور و عیان) آشکار یا پنهان به جهالت مرتکب شده‌ام

وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِبْتِغَائِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

و هر بد کاری که فرشتگان عالم پاک را مأمور نگارش آن نموده‌ای که آن فرشتگان را به حفظ هر چه کرده‌ام موکل ساختی

وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ

و شاهد اعمالم با جوارح و اعضای من گردانیدی و فوق آن فرشتگان تو خود مراقب من

وَالشَّاهِدَ مَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتُهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتُهُ

و شاهد و ناظر بر آن اعمال من که از فرشتگان هم به فضل و رحمتت پنهان داشته‌ای همه را ببخشی



وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ (تُنزِلُهُ) أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ (تُفَضِّلُهُ)

و نیز درخواست می‌کنم که مرا حظ وافر بخشی از هر خیری که می‌فرستی و هر احسانی که می‌افزایی

أَوْ بِرِئْسَتِهِ (تَنْشُرُهُ) أَوْ رِزْقٍ بَسُطْتَهُ (تَبْسُطُهُ) أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطِيئَتُهُ يَارَبِّ يَارَبِّ يَارَبِّ

و هر نیکویی که منتشر می‌سازی و هر رزق و روزی که وسیع می‌گردانی و هر گنه که می‌بخشی و هر خطا که بر آن پرده می‌کشی ای رب من ای رب من ای رب من

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِي يَأْمَنُ يَدِي نَاصِيَتِي

ای خدای من ای سید و مولای من ای کسی که زمام اختیارم به دست اوست

يَا عَلِيمًا بَصْرِي (بِفَقْرِي) وَمَسْكِنِي يَا خَيْرَ ابْفَقْرِي وَفَاقَتِي يَارَبِّ يَارَبِّ يَارَبِّ

ای واقف از حال زار و ناتوانم ای آگه از بینوایی و وضع پریشانم ای آگاه به احتیاجم و بی‌چیزیم ای رب من ای رب من ای رب من

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ

از تو درخواست می‌کنم به حق حقیقتت و به ذات مقدست و بزرگترین صفات و اسماء مبارکت



أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنْ (فِي) اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِحِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ

مَقْبُولَةً

که اوقات مرا در شب و روز به یاد خود معمور گردانی و پیوسته به خدمت بندگیت بگذرانی و اعمالم را مقبول حضرتت فرمایی

حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي (إِرَادَتِي) كُلُّهَا وَرِدَاً وَاحِداً وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَداً

تا کردار و گفتارم همه یک جهت و خالص برای تو باشد و احوالم تا ابد به خدمت و طاعتت مصروف گردد

يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ

ای سید من ای کسی که تمام اعتماد و توکلم بر اوست و شکایت از احوال پریشانم به حضرت اوست ای رب
من...

قُوَّةً عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَأَشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي

(لطفی کن) و به اعضا و جوارحم در مقام بندگیت قوت بخش و دلم را عزم ثابت ده



وَهَبْ لِي الْمَجْدَ فِي خَشْيَتِكَ وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ

و ارکان وجودم را به خوف و خشیت سخت بنیان ساز و پیوسته به خدمت در حضرتت بدار

حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ (الْمُبَادِرِينَ)

تا آنکه من در میدان طاعتت بر همه پیشینیان سبقت گیرم و از همه شتابندگان به درگاهت زودتر آیم

وَأَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ

و عاشقانه با مشتاقانت به مقام قرب حضرتت بشتابم و مانند اهل خلوص به تو نزدیک گردم

وَأَخافَكَ مَخافةَ الْمُوقِنِينَ وَأَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

و بترسم از تو مانند ترسیدن یقین کنندگان و با اهل ایمان در جوار رحمتت همنشین باشم

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكَرْهُ

خدایا و هر که با من بد اندیشد تو مجازاتش کن و هر که مکر ورزد به کیفرش برسان



وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ

و مرا بلطف و رحمتت نصیب بهترین بندگانت عطا کن و مقام مقربترین

وَأَخْصِهِمْ زُفَّةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدِّي بِجُودِكَ

و مخصوصترین خاصان حضرتت کرامت فرما که هیچکس جز به فضل و رحمتت این مقام نخواهد یافت و باز جود و بخشش بی عوض از من دریغ مدار

وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِجُدِّكَ وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ

بزرگی و مهربانی کن و مرا به رحمت و اسعوات از شر دو عالم محفوظ بدار

وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهَا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِّمًا

و زبانم را به ذکر خود گویا ساز و دلم را از عشق و محبت بی تاب گردان

وَمَنْ عَلَىٰ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ وَأَقْلَبْنِي عَثْرَتِي وَاعْفِرْ زَلَّتِي

و بر من منت گذار و دعایم مستجاب فرما و از لغزشم بگذر و خطایم ببخش



فَأِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَىٰ عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ

که تو خود به بندگان از لطف دستور عبادت دادی و امر به دعا فرمودی و اجابت را ضمانت کردی

فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي

اینک من به دعا رو بسوی تو آوردم و دست حاجت به درگاه تو دراز کردم

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنِّي فَضْلِكَ رَجَائِي

پس به عزت و جلالت قسم که دعایم مستجاب گردان و مرا به آرزویم (که وصال توست) برسان و امیدم را به فضل و کرمیت ناامید مگردان

وَكَفِّنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي

و از شر دشمنانم از جن و انس کفایت فرما

يَا سَرِيعَ الرَّضَا غُفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ

ای که از بندگانت بسیار زود راضی میشوی ببخش بر بنده‌ای که بجز دعا و تضرع بدرگاهت مالک چیزی نیست



فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِّمَا تَشَاءُ يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنَى

که تو هر چه خواهی میکنی ای که نامت دوی دردمندان و یادت شفای بیماران است و طاعتت بی‌نیازی از هر چه در جهان

ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ

ترحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید به توست و اسلحه‌اش گریه است

يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النُّقْمِ يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ

ای بخشنده کاملترین نعمت ای دفع کننده هر بلاء و مصیبت ای نور دل‌های وحشت زده در ظلمات (فراق) ای دانای علم ازل تا ابد بی‌آموختن

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) و با من آن کن که لایق حضرت توست



وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُوْلِهِ وَالْاَئِمَّةِ الْمِيَامِيْنَ مِنْ آلِهِ (اَهْلِهِ) وَسَلَّمْ تَسْلِيْمًا (كَثِيْرًا)

و درود و رحمت خدا بر رسول گرامیش و امامان با برکات از اهل بیتش و سلام و تحیت بسیار بر آن بزرگواران باد.